



عنوان

موضوع: اصول تعلیم و تربیت در اندیشه های قرآنی امام خامنه ای

زهره اسمعی^۱

چکیده

در میان همه نهاد های جامعه تعلیم و تربیت نهادی بنیادی و اساسی است که نقش منحصر به فردی دارد و همچنین تعلیم و تربیت رسالت اصلی انبیاست. تربیت باید به گونه ای باشد که نسل جوان با معارف دینی آشنا شود و اخلاق اسلامی در آن ها نهادینه شود. تحقیق از نظر ماهیت کیفی و از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش توصیفی تحلیلی است. منابع این تحقیق کتابخانه ای و بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری است. ایشان تربیت سالم را از عوامل دستیابی به سعادت، رستگاری و قرب و رضایت پروردگار با همان اهداف خلقت معرفی می نماید. نتایج پژوهش نشان می دهد حضرت آیت الله خامنه ای در سخنان خود اهمیت اساسی ای به تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش و همچنین معلّم و مربی در تعلیم و تربیت داده است. هدف این مقاله بررسی و استخراج اصول تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری است.

کلید واژه: آموزش و پرورش، تعلیم، تربیت، خانواده، معلّم

^۱. طلبه پایه چهارم مدرسه علمیه الزهرا آزادشهر

تعلیم و تربیت از جمله مسائلی است که در همه ی جوامع بشری به عنوان یک ضرورت انکار ناپذیر مطرح می‌شود. در اندیشه های قرآنی امام خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی ایران این موضوع از ابعاد خاصی مورد توجه قرار گرفته و اصولی اساسی برای تربیت فرد و جامعه تبیین شده است. قرآن کریم به عنوان کتاب هدایتگر همواره بر اهمیت علم و دانش تربیت صحیح و اخلاقی تاکید کرده است. در دیدگاه امام خامنه ای تعلیم و تربیت نه تنها محدود به انتقال اطلاعات و مهارت هاست، بلکه باید به پرورش شخصیت تقویت ایمان و ارتقای اخلاق فردی و اجتماعی نیز بپردازد. اصول تعلیم و تربیت در اندیشه های ایشان بر پایه های دینی و فرهنگی استوار است که در آن تاکید بر تربیت با هدف رسیدن به حیات طیبه و ساختن جامعه ای با اخلاق معتقد و پیشرفته مطرح می‌شود. این اصول شامل مواردی چون توجه به جنبه های روحانی و مادی انسان آموزش مهارت های زندگی تربیت اجتماعی و سیاسی و همچنین تاکید بر نقش خانواده و جامعه در فرایند تعلیم و تربیت هستند. بدین ترتیب بررسی این اصول می‌تواند چراغ راهی برای نظام آموزشی و تربیتی کشور باشد و به تحقق اهداف بلند مدت توسعه انسانی و اجتماعی کمک کند.

اهتمام به تربیت نیز در کنار توجه به تعلیم بسیار ضروری است. تربیت و پرورش صحیح قوای جسمی و روحی، عامل شکوفایی استعداد های ذاتی بشر برای رسیدن به رشد کمال حقیقتی است. رهبر انقلاب در این مورد فرمود: «هیچ آباد کردنی به قدر آباد کردن روان انسان و فکر انسان که در حقیقت راه آینده ی او را ترسیم می‌کند نمی‌رسد». این بیان بر اساس بیان نورانی قرآن کریم است که تنها راه سعادت بشر را تربیت صحیح و تزکیه درون از رذائل اخلاقی معرفی می‌کند و نتیجه بی توجهی به این امر مهم را هلاکت و بدبختی حتمی می‌داند. تربیت در نظر مقام معظم رهبری یعنی شکوفایی استعداد ها این معنای وسیعی را در بر می‌گیرد که شامل بروز سلامت جسمی، فکری، علمی و اخلاقی انسانی است.

باید توجه داشت که رابطه تنگاتنگی بین تعلیم و تربیت وجود دارد، به گونه ای که هیچ یک بدون دیگری به اهداف اساسی خود نخواهند رسید. تاکید رهبر معظم انقلاب از سویی اهتمام به امر آموزش و از سویی دیگر به آمیختگی و همراهی تعلیم و تربیت است. ایشان فرمود: «تعلیم باید با تربیت آمیخته باشد، بهترین شکل کار این است که معلم مربی نیز باشد».

اهمیت تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت از سیاست‌های بنیادین اسلام و از اهداف زیربنایی بعثت رسول خدا(ص) است. پیامبر اسلام(ص) تربیت را از خویش و خویشاوندانش آغاز کرد و به تعلیم و آموزش نیز از اولین روزهای هجرت همت گمارد. این، خود نشانگر اهمیت آن دو مقوله دینی و قرآنی است. در سال دهم هجرت که پیغمبر اکرم (ص) امیرالمومنین (ع) را به یمن فرستادن فرمودند: که وقتی به یمن رفتی با هیچ کس مقاتله نکن اول دعوت و زبان و توجیه و تبیین حقیقت.....

سپس حضرت می فرمایند: سوگند به خدا اگر یک نفر را خدای متعال به وسیله تو هدایت کند، ارزش این از همه ثروت روی زمین بیشتر است؛ یک دل را بتوانی به صورت مستقیم هدایت کنی ارزشش از همه ثروتی روی زمین بیشتر است، که هم از جهات معنوی می شود این را فهمید و معنا کرد که هدایت الهی برای هر انسانی آنچنان دستاورد مهمی است که اگر کسی بتواند این را برای یک انسان فراهم کند این با هیچ امر ماده ای قابل مقایسه نیست؛ هم از لحاظ کشورداری اینجور است، که اگر چنانچه کسی دلپایشان به حقیقت و به اسلام متوجه بشود و تمایل پیدا بکند این است هر قدرتی برای آن نظام بیشتر است؛ از پول و از سلاح و از همه چیز بیشتر است.^۱

تفکر قوای درونی انسان شکوفا می شود و زمینه ی حرکت کمالی او فراهم می گردد، لذا به همراه علم آموزی و تفکر تربیت یا پرورش اخلاقی و تهذیب نفس نیز مطرح می شود که در اسلام بر این امر بسیار تاکید شده و از همان ظهور اسلام مبادی و مبانی تعلیم و تربیت به عنوان یک علم بنا نهاده شده است. رهبر انقلاب می فرماید "یکی از مسائل ارزشمند و کارساز در زندگی بشر، علم و آگاهی است. علم، افزون بر اینکه وسیله ای است برای بهتر زیستن و برای خوب از عهده مسئولیت برآمدن، به خودی خود نیز مطلوب بشر است. برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان، رهبر انقلاب در اهمیت و ضرورت علم آموزی فرمود: یک کشور اگر می‌خواهد به معنای واقعی بازسازی کند، باید بیشترین تکیه و بیشترین نگاه و توجهش، به انسان و نیروی انسانی باشد.^۲

هدایت یک انسان ارزش و قیمت هدایت همه بشریت را دارد؛ چون گوهر انسانی در این انسان و در همه بشریت یک گوهر است؛ وقتی شما به گوهر انسانی کمک کردید و او را هدایت کردید چه در زمینه عقیده چه در زمینه اخلاق به گوهر بشری کمک کرده اید و یاری رسانده اید؛ بنابراین این همان ارزش را خواهد داشت.^۳

۱. درس خارج فقه ۱۳۸۴/۱/۲۱، «نسیم سحر»، ص ۱۵۴

۲. بیانات در اجتماعات زنان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰

۳. دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۹/۹/۱۹، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ص ۸۵

این نشان دهنده این است که مسئله ی هدایت و کمک رساندن به نجات انسان ها، وظیفه ی هر کسی است که بتواند آن را انجام دهد.

فتح الفتوح، تربیت انسان است

در صدر اسلام، فتح الفتوح، یک حادثه نظامی بود. مسلمانان مدت زیادی در منطقه ای از مناطق شرقی آن روز میدانگاه جنگ و غربی امروز ایران، معطل شدند تا توانستند چند دژ را بگیرند. وقتی گرفتند، گفتند این (فتح الفتوح) است. امروز هم در تاریخ، فتح «نهادند» و «جلولا»، یعنی یک حادثه نظامی، به نام «فتح الفتوح» خوانده می شود.^۱

امام در یکی از آن بیانات بسیار عمیق خود بعد از یکی از این فتوحات اول کار پیام دادند- سال شصت یک فتحی شد، فتح بستان که خیلی مهم بود، بعد از مدتی عقب نشینی و شکست های گوناگون، فتح بستان یک پیروزی بزرگی محسوب می شد؛ البته این مضمون حرف ایشان است عبارت ایشان در کتاب هست گفتند که فتح الفتوح فتح فلان شهر نیست؛ فتح الفتوح تربیت و تولید یک چنین جوان هایی است. این فتح الفتوح است.^۲

همه توقع داشتند که امام بگویند این پیروزی که شما به دست آوردید فتح الفتوح است؛ از آن پیروزی ستایش کند. امام از رزمندگان تشکر کردند، اما گفتند فتح الفتوح انقلاب ما تربیت این جوان هاست؛ که در آن شرایط دشواری که همه دنیا در مقابل ما با چهره خشمگین و سلاح آماده شلیک ایستاده بودند، این ها توانستند یک چنین پیروزی بزرگی را به دست آورند.^۳ واقعاً بزرگترین فتح جمهوری اسلامی این بود که توانست این جوانان را به این مرحله از عظمت و اطلاع روحی برساند که بتواند احساس خودباوری کند و بایستد و در مقابل تهاجم عظیم یکپارچه دنیا، از کشور و از موجودیت شان و از اسلام دفاع کنند.^۴

این ها همان جوانایی هستند که انقلاب مثل کیمیا، مثل اکسیر و ماده ای که با زحمت به دست می آید - اما مس وجودشان را تبدیل به طلا کرد. جوان انقلاب این گونه بود. بزرگ ترین کار امام، ساختن جوانان بود؛ هنر انقلاب این است، و هنر امام این بود. آن بزرگوار، در جامعه ای که دشمن پنجاه، شصت سال به طور مستقیم و غیر مستقیم روی آن کار کرده بود. تا آن را به لجن زار فساد بکشاند، کار کرد و جوانانش را مثل گل، پاک و پاکیزه تربیت کرد. خود آن بزرگوار فرمود: این، فتح الفتوح است. من همین را تکرار می کنم: فتح الفتوح انقلاب اسلامی این هاست

۱. بیانات در دیدار مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۷/۲/۲۳

۲. بیانات در دیدار نوجوانان و جوانان شرکت کننده در کاروان های راهیان نور ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

۳. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۱/۷/۱۲

۴. بیانات در دیدار جمعی از جوانان ۱۳۷۷/۲/۷

انسان برای تربیت است، انسان برای هدایت و تعالی و کمال است. این نمی شود، مگر در یک محیط امن؛ محیطی که در آن عقده بوجود نیاید؛ انسان اشباع بشود، در آن تعلیمات هر نسلی به نسل بعد منعکس بشود و از کودک یک انسان تحت تعلیم صحیح، روان طبیعی و فطری دو معلم که نسبت به او از همه انسانهای عالم مهربان ترند، یعنی پدر و مادر قرار بگیرد.^۱ انسان زمانی از لحاظ روحی و عاطفی، صحیح و سالم و کامل بار خواهد آمد که در خانواده بار بیاید و در خانواده تربیت شود. اگر محیط زندگی آرام و مناسبی در خانواده حکم فرما باشد می توان خاطر جمع شد که فرزندان از لحاظ ساختار عاطفی و روانی سالم هستند.^۲

اولین شکل گیری روح، عواطف و فکر و مغز انسان در خانواده رخ می دهد. حتی پیش از ولادتش شکل می گیرد و بقیه عوامل روی این زمینه اثر می گذارند. البته ممکن است گاهی عوامل بیرونی مثل مدرسه، خیابان، رفاقت ها و دوستی ها مثل معلم و کتاب که در جوانی و نوجوانی روی ذهن های کودکان و جوانان اثر می گذارد بر آن عامل خانوادگی غلبی کنند. در این شکی نیست؛ اما آن چیزی که زمینه را فراهم می کند محیط خانواده است.^۳

باید نخست احساس حضور اولیا در محیط زندگی را در فرزند به وجود آورد. اگر کودک این احساس را داشته باشد رشد و تربیت او شکلی کاملاً متفاوت از آن چیزی پیدا خواهد کرد که چنین احساسی نداشته باشد. آنچه برای کودک مهم است تجلی حضور پدر و مادر در ذهن او به صورت منشأ الهام است. توجه داشته باشید و توجه دارید که تربیت فرزندان این جور نیست که انسان هر یک یک بچه ها را بخواهد که مثل یک شاگرد معینی جلو بیایند دعوتشان کند، بهشان حرف بزند و تربیتشان کند؛ بعضی ها می گویند که شما می گویند فرزند زیاد داشته باشید، خب اگر فرزندان زیاد شدن در خانه، تربیتشان نمی توانیم بکنیم؛ این حرف غلط است. تربیت فرزندان، تربیت تک تک فرزندان نیست، تربیت محیط خانواده است. محیط خانواده که خوب بود، چه بچه یکی باشد چه پنج تا باشد، فرقی نمی کند، خوب تربیت می شود. به طور طبیعی، به طور غالب خوب تربیت می شوند.^۵

چیزی که بیشتر از همه کانون خانواده را گرم و مستحکم نگه می دارد محبت است. محبت ملاط خانواده است. ملاط بنیان عظیم خانواده و چیزی که این حصار را محکم نگه می دارد، عبارت از محبت، محبت زن و شوهر

۱. خطبه عقد مورخه ۱۳۷۶/۵/۲۰

۲. خطبه عقد مورخه ۱۳۷۴/۵/۱۱

۳. ۱۳۸۱/۳/۸، «خانواده» ص ۷۶

۴. دیدار با اعضای شورای عالی انجمن اولیاء و مربیان ۱۳۶۲/۷/۲۱، «منشور تربیتی کودک و نوجوان»، ص ۵۶

۵. درس خارج فقه ۱۳۹۵/۹/۱۵، سایت معظم له^۵

